

## احتیاج ایران

بقلم آقای حسن بایسوزی شیرازی محصل دار الفنون بیروت

هر کسی میدانند که امروزه مملکت ایران وارد مرحله جدیدی گشته و باطلوع فرمانروایی اعلیضرت شاهنشاه پهلوی دوره تازه در زندگانی این مملکت آغاز شده است. بالطبع با تغییر هر دوره و عصری احتیاجات نیز تغییر خواهد یافت. ممکن است اصلاحاتی که ایران از زمان سلطنت قاجاریه لازم داشت امروز لازم نداشته و باصلاحاتی دیگر محتاج باشد. از نوزده سال قبل تا کنون یعنی از بدو مشروطیت تا بحال عقلا، متفکرین، نویسندگان و روزنامه نگاران یک سلسله اصلاحات برای این مملکت پیشنهاد کرده و بارها آنها را تکرار کرده اند.

در طول این مدت لزوم کشیدن راه آهن، معارف، تشویق ارباب حرفه و صنعت و اصلاحات اقتصادی مورد زبان خاص و عام و نقل هر مجلسی بوده است. اما امروز چون ایران وارد دوره جدیدی گشته و زندگانی نوینی از سر گرفته است محتاج یک اصلاح بزرگتر و لازمتر و مهمتر از اصلاحات فوق الذکر شده است « این اصلاح اصلاح اخلاقی است ». ملت ایران امروز فاقد شهامت اخلاقی، اتکاء بنفس، اراده قوی راسخ و خلاصه جمیع محسنات است. سر تا سر مملکت را غبار تیره فساد اخلاق فرا گرفته و در زیر آن همه محسنات اخلاقی پوشیده و مستور مانده است. اول باید منشأ و منبع این فساد را جستجو و سپس راهی برای اصلاح آن بیندیشیم.

فساد اخلاق ایرانیان از بعد از استیلای مغول شروع میشود ( ۱ )  
 فریاد شاعر شیراز در اوائل جهانگیری امیر تیمور کورگان که  
 میگوید « عالمی از نو بیاید ساخت وز نو آدمی » دلیل انحطاط  
 اخلاق در آن موقع است . سلاطین صفویه هر چند در احیای استقلال  
 سیاسی و وحدت ملی ایران فداکاری کردند در تعصب مذهبی غلو  
 کرده و در نتیجه باعث انتشار خرافات و موهومات بسیاری در میان  
 ملت ایران شدند ( ۲ ) . ولی مسبب و موجد این فساد اخلاق امروزی  
 سلاطین قاجارند .

( ۱ ) بعقیده مامدتی قبل از استیلای مغول اخلاق ایرانیان فاسد  
 شده بود . با وجود اینکه نمیتوان وقت معینی از برای ان تعیین کرد  
 ولی تا اندازه میتوان ثابت نمود که در اواخر سلطنت ساسانیان آثار  
 این فساد اخلاق پدیدار بود و همین باعث شد که يك مشت عرب وحشی  
 توانستند مملکت اکاسره را ویران و کارها را بدخلواه خود کنند .  
 اگر چه قوانین اسلام بهترین سرمشق اخلاق خوش است ولی عربها که  
 ابدآ معنی اسلام را نفهمیده بودندند کردند آنچه توانستند و اخلاق  
 منحوس خود را در آنها در ایران بیادگار گذاشتند . بدیهی است  
 بعدها استیلای مغول و قبایل وحشی دیگر بر این فساد اخلاق بس افزود  
 « سودمند »

( ۲ ) گویم مقصود نویسنده فاضل این مقاله تمام سلاطین صفویه نبوده  
 است . چه ، اگر امثال شاه طهماسب و شاه سلطان حسین در تعصب  
 بیجای مذهبی افراط نمودند پادشاهان مانند شاه اسمعیل بزرگ و  
 شاه عباس کبیر آنچه میگردند از روی سیاست و تشکیل وحدت

خونريزي ، سبعت و درندگي اقا محمدخان ، عياشي ، شهوتراني ، و بيفكري فتحعليشاه ، ضعف نفس و بي ارادگي محمد شاه ، جهل ، استبداد ، و اهمال شنيعه ناصر الدين شاه ، رخوت و سستی و تنبلی مظفر الدين شاه ، جنايات و شهوتراني هاي محمد علي ميرزا و پسرش موجد اين وضعيت امروزي هستند . شاه فاسد البته در بي درباري فاسد است و در بي ازهاق افكار و احساسات ملت خرافات و موهومات دوره صفويه دست بدست فساد ال قاچار داده و ايران امروزي را تشكيل دادند . تا اينكه دوره مشروطيت فرا رسيد و زبان و قلم ازاد گرديد در نتيجه تمدن اروپائي بايران تاثير كرد . اما بدبختانه تاثير اين تمدن نيز بر عكس بود . بجاي اينكه محسناتش سرايت نمايد ذمائم آن بيشتر نفوذ نمود . بجاي افكار تازه اروپا و ان اختراعات و اكتشافات محير العقول الات تجمل و « لوکس » و بجاي افكار دانشمندان غرب عياشي اروپا وارد شد . جوانان نيز که از فعال مايشائي موهوم پرستان به تنگ آمده بودند به يکبار افکار و حقيقتات ايراني و شرقي خود را بکنار گذاشته با آغوش باز با استقبال اين تمدن ظاهري شناختند . باصطلاح عاميانه قوز بالای قوز شد . تمدن اروپائي بجای اصلاح ممد افساد گشت .

جوانان ايراني که برای اکتساب معلومات جديده به اروپا رهسپار ميشدند در مراجعت بايران يك مشت افکار بيهوده با خود ملی ايران بود و انصافا در مقابل دشمنان خارجي ما نقشه خوني ريختند . منتها آنچه امروز صلاح بود شايد امروز بيجا باشد .

همراه میاورند و بجای اینکه در تهذیب اخلاق کوشش نمایند محو  
 رذائل اخلاقی و عیاشی اروپائیا میشوند. از اینجا يك خطر بزرگ  
 دیگر ناشی شده و نژاد آتیه ایران را بفنا و انقراض تهدید مینماید.  
 این خطر امراض تناسلی است که سوغات جوانان اروپا رفته و یا تحصیل  
 کرده ایران است. وقتی که از يك جوان ایرانی که از خارجه مراجعت  
 کرده است سؤال میکنید آیا در این مدت در اروپا چه دیدید و چه  
 چیز تازه در یافتید! جواب میدهد. « اقا اروپا همان بهشتی است  
 که آخوندهای ما بآن وعده میدهند، حوری و غلمان دسته بدسته  
 در کوچه ها و خیابانها عبور میکنند، شرابخانهها مفتوح است، چه  
 عمارات عالی! چه نمایشخانههای قشنگ، چه باغهای دلربا، چه، چه،  
 چه » به بینید چه قدر جای تأسف است که چندین سال دسترنج این  
 ملت فقیر خرج این جوانان شده و بجای اینکه معلومات و اکتشافات  
 و اختراعات تازه بوطن خود بیاورند مثنی افکار بی سر و ته با  
 یکدسته امراض مهلك و آرد مملکت میکنند. در اینمدت بجای تحصیل  
 غرقه در عیاشی و شهوترانی بوده اند. تمامی این فساد اخلاق جوانان  
 بگردن سلاطین قاجار است. اگر آنها اخلاق ملت را فاسد نکرده  
 بودند اینطور زمینه برای این فساد امروزی آماده و مهیا نمیشد.

این جوانان با افکار و عقاید و اخلاقتشان! حال به بینیم آنهائیکه  
 از قبول تمدن اروپا خود داری کرده اند در چه حالی هستند؟ آنها  
 نیز الوده اند یاخیر؟ بد بختانه آنها بدتر از این جوانند. آنها هنوز  
 فرنگی را نجس و افکار و عقایدش را کفر و زندقه و الحاد میدانند.

هنوز معتقد بعقاید قرون وسطی از قبیل صبر ، طلسم و جادو هستند .  
 هنوز قشریان را فعال مایشاء و حاکم بر جان و مال مردم می  
 پندارند و هنوز جغد وار در خرابه های خود خزیده و از آبادی و  
 عمران گریزانند .

ای کاش با این زهد و ورع و تقوی ! اخلاقشان فاسد نبود ولی  
 همینها که بهزار عنوان مانع از انتشار افکار جدید و تمدن مفید اروپائی  
 هستند در فساد اخلاق و ارتکاب رذائل از جوانها جلوتر افتاده اند .  
 این صفوف قدیمی و این جوانان متجدد همگی در منتهای فساد اخلاق اند !  
 بقیه دارد

## امریکا

سرافاز  
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بقلم جناب آقای سید جلال الدین جزاوی

حس علوی جوئی و ترقی از جمله احساسات مرکوزه در نفوس  
 و جبلی هر حیوان خاصه انسان است . خون ریزیهای پیاپی ارانه حرکات  
 و حشیانه که قساوت قلب مرانیان را بخوبی جلوه میدهد از اثر همین  
 حس است ، سعی در تکامل و ازدیاد قوای ملل حیه عالم و ام راقبه  
 در نتیجه همین حس است ، بالاخره نتیجه همین حس خوب یا زشت  
 است که خواه مخواه روزی آید که اقویا ضعفا را پامال و یک دولت  
 زیر دست مقتدری سراسر گیتی حکم فرما و قوای وی مسلط بر کلیه